

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: لما ال هور
فرستنده: علی مشرف
۱۵ جولای ۲۰۲۴

واشنگتن خطاب به شرکای بیجینگ: «با قربانی کردن خود به من کمک کنید تا اژدها را مهار کنم»



در شرایطی که واشنگتن بیجینگ را به عنوان یک رقیب ژئوپلیتیک سیستماتیک معرفی کرده است، دولت ایالات متحده در تلاش است تا چشم انداز ژئوپلیتیک جهانی را به نفع خود تغییر دهد. برای این منظور – البته بدون توقف توسل به اقدامات یکجانبه یا قهری – از ابزارهای دیپلماتیک کلاسیک استفاده می کند.

به عنوان پیامد منطقی دیپلماسی، رسانه ها در سیاست ضدچینی واشنگتن، نقش کلیدی دارند. رسانه های غربی به عنوان بلندگوی ژئوپلیتیک امریکا، مسؤل تأثیرگذاری بر افکار عمومی برای پذیرش روایت امریکائی ها هستند که چین یک تهدید بزرگ ژئوپلیتیک است.

واشنگتن از این ابزارهای رسانه ای و دیپلماتیک برای خدمت به همین هدف استفاده می کند: ایجاد کنترل دقیق بر سطح همکاری چین با کشورهای ثالث و حفظ و یا تأیید قدرت مطلق ایالات متحده در امور جهانی.

مهار چین از طریق رسانه ها

رسانه های امریکا با تمام توان و بشدت تهاجمات دیپلماتیک امریکا علیه بیجینگ را توجیه می کنند. این رسانه ها ستراتیژی امریکا برای مهار چین را با نام های تحریک کننده تری برای عموم مردم به کار می برند.

گفتمان رسانه‌ای در دفاع از دموکراسی لیبرال در مقابل «مدل استبدادی» حکومت که بیجینگ را تجسم آن معرفی می‌کند، و دفاع از «ارزش‌های غربی» در برابر نقض حقوق بشر که آن را نیز به بیجینگ نسبت می‌دهد، به‌طور مرتب بر ضرورت حفظ دموکراسی‌های لیبرال تأکید می‌کند. این تصویر تلخ و گزنده از دومین اقتصاد بزرگ جهان نشان می‌دهد که ایدئولوژی بخشی جدایی‌ناپذیر از ستراتیژی ایالات متحده برای مهار چین باقی خواهد ماند و حمایت ایالات متحده از جنبش‌های جدایی طلب — در تایوان، هانگ کانگ، تبت و سین کیانگ و فشار سیاسی و اقتصادی علیه بیجینگ — به‌عنوان ابزاری برای مقابله با چین ادامه خواهد داشت.

رسانه‌های غربی همچنین بر لزوم کاهش وابستگی اقتصادی به بیجینگ و محافظت در برابر نفوذ فناوری چین تأکید می‌کنند. همین رسانه‌ها اتهام امریکائی‌ها را تکرار می‌کنند که چین به‌دلیل «مازاد ظرفیت» ناعادلانه در تولید، بازارهای غربی را با وسایل نقلیه الکتریک و پنل‌های خورشیدی پر کرده است. این اتهام در راستای طرح بلوک غرب برای تجدید مدل اقتصادی خود با انرژی‌های سبز است.

این خصومت نسبت به بیجینگ — و اقدامات شدید حمایتی پس از آن — نشان‌دهنده امتناع واشنگتن از تحمل رقیبی چون چین در بازار اقتصاد جهانی است که بلوک غرب برای دهه‌ها بدون مشکل بر آن تسلط داشته است. این بخش از ستراتیژی ایالات متحده همچنین با هدف کنار گذاشتن اتحادیه اروپا به‌عنوان یک تولیدکننده انرژی سبز، ابزاری برای فروش وسایل نقلیه الکتریک ارزان چینی و در نتیجه رقیب بالقوه واشنگتن است.

هدف از طراحی روایت ابداعی امریکا برای نیاز به تضمین امنیت و آزادی حرکت بحری در فضای ستراتیژیک هند و اقیانوس آرام، توجیه فشار نظامی اعمال شده توسط واشنگتن در همسایگی نزدیک بیجینگ است.

در مورد تایوان، واشنگتن همچنان به ابهام خود ادامه می‌دهد: به رسمیت می‌شناسد که تایوان متعلق به چین است — همانطور که در سه بیانیه مشترک به وضوح بیان شده است — اما در صورت اتحاد مجدد که توسط بیجینگ تحمیل شود از تایوان دفاع خواهد کرد. این سخنان خارج از منطق را آنتونی بلینکن یک روز پس از آخرین دیدار رسمی خود از چین تکرار کرد. در این میان، واشنگتن روابط دیپلماتیک خود را با این جزیره حفظ کرده و به فروش تسلیحات به آن ادامه می‌دهد، که نقض توافق نامه‌های امضاء شده با بیجینگ است.

به اساس همه موارد فوق، رسانه‌های غربی نیز مشروعیت بخشیدن به تصمیمات یکجانبه امریکا مانند اعمال تحریم‌های خارج از چارچوب سازمان ملل متحد را بر عهده می‌گیرند؛ چه علیه شرکای بیجینگ مانند روسیه، ایران، کوریای شمالی و ونزوئلا باشد چه علیه خود چین.

ساختارهای چندجانبه تحت سلطه واشنگتن

به‌استثنای تعدادی از اعضای مخالف، ساختارهای چندجانبه تحت سلطه واشنگتن، مانند ناتو، G7 و اتحادیه اروپا، از ستراتیژی ایالات متحده برای مهار بیجینگ استقبال کرده‌اند. اگرچه تحریم‌های ضدروسی اتخاذ شده توسط همین بلوک‌ها نام «جدا کردن از چین» را یدک نمی‌کشند، اما با این وجود هدف یکسانی را دنبال می‌کنند: نابود کردن پیامدهای قدرت چین.

مقابله با چین به‌معنای طرد دوجانبه گرائی و اتخاذ مواضع مشترک است: این شعار ساختارهای چندجانبه تحت سلطه واشنگتن است. این شعار را می‌توان در ستراتیژی آلمان در قبال چین، که در سال ۲۰۲۳ در برلین تصویب شد، نیز یافت: «ستراتیژی ما در مورد چین به‌طور محکم ریشه در سیاست مشترک اتحادیه اروپا در مورد چین دارد.»

ایتالیا، تنها کشوری G7 که پروژه کمربند و جاده (BRI) را امضاء کرده است، پس از فشارهای زیاد از سوی متحدانش که رم را متهم به خیانت به بلوک غرب کردند و مدعی شدند که با این کار خود به تلاش چین برای باز کردن

راهی برای دسترسی به اروپای مرکزی و شرقی و جناح جنوبی ناتو پاسخ داده است، مجبور به ترک این پروژه شد. به همین ترتیب، روایت امریکائی‌ها مبنی بر این که فناوری G 5 چینی هوآوی تهدیدی برای امنیت ملی کشورهای اتحادیه اروپا است، توافق‌نامه‌های امضاء شده بین غول چینی و چندین کشور اروپائی از جمله پرتگال را تضعیف کرده است. در همین راستا، بدون شک بررسی پارامترهای سیاسی و رسانه‌ئی که جمهوری چک از زمان روی کار آمدن پتر پاول، رئیس سابق کمیته نظامی ناتو به سمت یک نگرش خصمانه نسبت به بیجینگ سوق داده شده است، ارزشمند است.

اما گاه واشنگتن به هدف خود نمی‌رسد. هنگری — در آستانه تصدی ریاست اتحادیه اروپا — و اسلواکی در برابر فشار اتحادیه اروپا و ناتو برای جدا کردن اقتصاد خود از چین، دچار تردید نشده‌اند. طرح لغو رأی گیری به اتفاق آراء در مورد مسایل امنیت ملی در اتحادیه اروپا با هدف پایان دادن به تمایل و تلاش این اعضاء برای استقلال است. رابرت فیکو، نخست وزیر اسلواکی، در بیانیه اخیر خود فشارهایی را که دولتش به دلیل امتناع از همسویی با سیاست‌های اتحادیه اروپا و ناتو متحمل شده است، بازگو کرد. رهبر اسلواکی حتی انگشت اتهام را به سمت احزاب مخالف، بلنگوهای ناتو و اتحادیه اروپا در کشورش، برای سوء قصد علیه خود نشانه گرفت. جدا از این اعضای «دگراندیش» — یا آن‌هایی که به استقلال خود متعهد هستند — واضح است که واشنگتن تقریباً بر گروه ۷، ناتو و اتحادیه اروپا تسلط کامل دارد.

ساختارهای چندجانبه که شامل کشورهای جنوبی می‌شود

این وضعیت در ساختارهای ترکیبی چندجانبه، مانند G20، که در آن کشورهای جنوب دارای کرسی هستند، یا ساختارهایی که به طور کامل تحت سلطه کشورهای جنوب هستند، مانند ASEAN، ظریفتر است. در چنین ساختارهایی، تحمیل ستراتیژی مهار بیجینگ برای ایالات متحده چندان آسان نیست.

در آخرین اجلاس سران G20 به ریاست هند، بیانیه نهائی، آن‌طور که واشنگتن می‌خواست، اقدامات مسکو در اوکراین را محکوم نکرد. غیبت شی جین پینگ در اجلاس ممکن است دو هدف داشته باشد: دادن فرصتی به دهلی نو برای صحبت از طرف جنوب جهانی، با تأیید عضویت اتحادیه افریقا در G20، و جلوگیری از این که کشورهای غربی چین را برای اعلام بیانیه نهائی مسؤول معرفی کنند.

در ساختاری مانند آسه‌آن که نمادی از منطقه ستراتیژیک جنوب شرقی آسیا است و با جهت‌گیری‌های سیاسی متفاوت مشخص می‌شود، ایالات متحده نتوانسته است مواضع ده عضو را در برابر بیجینگ متحد کند. در عوض، واشنگتن به دنبال ایجاد شراکت‌های جدید یا تعمیق و گسترش شراکت‌های موجود (اتحاد امنیتی با فیلیپین؛ مشارکت ستراتیژیک همه‌جانبه با اندونزی...)، با نیت پنهانی تشدید تنش‌ها بین چین و همسایگانش، و در عین حال ممانعت از افزایش گسترش نفوذ چین در اقیانوس هند و اقیانوس آرام و فراتر از آن است.

به‌طور منطقی، قراردادهای دفاعی منعقد شده در چارچوب این نوع مشارکت‌های دوجانبه، بعداً به چین و آسه‌آن ربط پیدا می‌کنند. در این شرایط، بعید به نظر می‌رسد که تمایل چین برای ایجاد یک منشور رفتاری در یحیره چین جنوبی، که مداخله قدرت‌های خارج از منطقه را حذف کند، محقق شود. با جلوگیری از اجماع اعضاء آسه‌آن، ایالات متحده می‌خواهد چین را وادار کند تا برای حل و فصل اختلافات ارضی و بحری، با هر یک از همسایگان خود به‌طور جداگانه مذاکره کند — زیرا می‌داند که ستراتیژی امریکا دقیقاً جلوگیری از دستیابی بیجینگ و همسایگانش به توافق است.

اما برای واشنگتن وضعیت کمتر از آنچه به نظر می‌رسد پویا است. بسیاری از اعضای آسه آن که نمی‌خواهند به ضرر خود برای مهار چین به ابزار ستراتیژی ایالات متحده تبدیل شوند، سیاست متنوع کردن دیپلماسی و اقتصاد خود را انتخاب کرده‌اند. از جمله ویتنام، تایلند، اندونزی و مالزی – و حتی ایالت بروئی – که بخشی از اهمیت موقعیت ستراتیژیک خود آگاه هستند. تایلند و مالزی حتی تمایل خود را برای پیوستن به گروه بریکس ابراز کرده‌اند: این عناصر بیش از آن که بیانگر عدم تعهد با مواضع امریکا باشد، مشروعیت ستراتیژی ایالات متحده برای محاصره نظامی چین را تضعیف می‌کنند.

این تضعیف انکارناپذیر موقعیت امریکا در صحنه ژئوپلیتیک جهانی، دیدگاه جدیدی را در مورد تصمیم واشنگتن برای انجام یک بازی بدون قاعده در راه حفظ هژمونی خود – به‌ویژه از طریق تهدید تایوان – ارائه می‌دهد. جنگ‌های تلخ و وحشیانه‌ای که در اروپا و خاورمیانه در جریان است تصویر را کامل می‌کند. واشنگتن امیدوار است با قربانی کردن اوکراین، روسیه، شریک ستراتیژیک بیجینگ را تضعیف کند. واشنگتن با سپردن مأموریت غیرقابل توصیف نسل‌کشی در سرزمین‌های فلسطینی به اسرائیل، به ضرر خود نشان می‌دهد که شرکای تاریخی امریکا در منطقه غرب آسیا، مانند مصر و عربستان سعودی، دیگر همچون گذشته راغب به اجرای دستورالعمل‌های واشنگتن نیستند. آن‌ها نیز، مانند همسایگان چین، با در اولویت قرار دادن منافع ملی خود، به‌دنبال ایجاد تعادل در روابطشان با قدرت‌های بزرگ هستند.

منبع New Eastern Outlook: بیست و نهم جون ۲۰۲۴

[Washington has designated Beijing as a systemic geopolitical rival \(journal-neo.su\)](http://journal-neo.su/Washington-has-designated-Beijing-as-a-systemic-geopolitical-rival)